

جایگاه طب ایرانی در طب حکمت بنیان

علی عبدالهی نیا^۱، هانیه طاهر محمدی^{*}

(۱) مرکز تحقیقات بیماری‌های مزمن تنفسی، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه:

طب سنتی ایرانی یکی از زیر مجموعه‌های حکمت نظری و جزئی از علوم طبیعی بحساب می‌آید که با بیش از هزاران سال قدمت و حدود ۱۴ هزار اثر مکتوب نقش مهمی در سلامت نیاکان ما بر عهده داشته است. طب ایرانی مرهون زحمات حکیمان فرهیخته‌ایست که علاوه بر مجاهدت علمی و ممارست در مداوا، به تزکیه و تهذیب نفس متصف و اغلب بر سایر علوم چون فلسفه، نجوم، ریاضیات و موسیقی تسلط داشتند. از این رو همواره شخصیت طبیب و حکیم درهم‌آمیخته و علاج ماحصل برآیند تأثیر مجموع این توانمندی‌ها در راستای بازآوردن تندرستی به بدن آدمی است. در این مقاله جایگاه طب ایرانی در طب حکمت بنیان مورد بررسی قرار گیرد.

ادامه ←

^{*} نویسنده مسئول:

دکتر هانیه طاهر محمدی، مرکز تحقیقات بیماری‌های مزمن تنفسی، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، دارآباد، نیاوران، تهران، ایران، پست الکترونیک: ht.md.phd@gmail.com

طبيب حقیقی:

بنظر می‌رسد علم طب مبدا الهی داشته و متکی به وحی است. از این رو پیامبر اسلام می‌فرماید: درمان از تقدیر خداوند متعال است و ممکن است به اذن خداوند نافع باشد. با این وجود سنت الهی بر آن قرار گرفته است تا شفا به واسطه درمان صورت پذیرد [۲۱]. در این میان طبیب فردی است که دارو به دست او فرستاده شده است [۳]. از موسی علیه السلام روایت شده است که فرمود: پروردگارا! درد و درمان از کیست؟ فرمود از من. پرسید پس طبیبان چه می‌کنند؟ فرمود: روزی خویش می‌خورند و دل بندگان را خرسند می‌دارند تا یا شفایم و یا قضایم به آن‌ها برسد [۴]. در این نگرش طبابت کار خداوند متعال است و طبیب واقعی اوست. خداوند است که خواص درمانی را در داروها قرار داده و در جهان هستی برای هر دودی دارویی آفریده است و به همین منظور به انسان استعداد و توان شناخت دردها و داروها و نحوه درمان بیماری‌ها را عنایت نموده و او را در جایگاه طبیب قرار داده است. از نگاه اسلام طبیب یک نقش واسطه را در نظام حکیمانه آفرینش بر عهده دارد [۵].

حکیم واقعی:

یکی از صفات خداوند در قرآن کریم، حکیم است. حکیم در صفت به معنای کسی است که با تامل و نیک اندیشی خود به شناخت کلی از امور می‌رسد. فیثاغورث در مورد انتصاب صفت حکیم به خود ذکر کرده است که این صفت مخصوص خداوند است و من فیلسوف یعنی دوستدار حکمت هستم [۶]. در یک نگاه کلی، علوم حکمی (دانش فلسفی) به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شوند که علم طب نیز یکی از زیر شاخه‌های آن است [۷]. در دوران قدیم، دانشجوی طب ملزم به فراگیری فلسفه و به ویژه بخش حکمت طبیعی علوم بود. جالینوس در کتاب "فی ان الطیب الفاضل یجب ان یکون فیلسوفا"، تاکید داشته است که طبیب باید فیلسوف باشد [۸-۱۰]. فلسفه و طب، به عنوان دو حوزه علم و دانش، ارتباط دیرینه‌ای داشته‌اند. این رابطه، فراز و فرودهای بسیاری در گذر زمان داشته است. ارتباط فلسفه و پزشکی، در زمان بقراط، از جهت هم‌پوشانی وظایف آن دو بود، به نحوی که فلسفه در کار مراقبت از روح و پزشکی در کار مراقبت از تن بود [۱۱-۱۲]. این در حالی

است که یکی از مهم‌ترین مبانی انسان شناختی در طب سنتی ایرانی که در فلسفه ابن سینا نیز به اثبات رسیده است، ترکیب انسان از نفس و بدن است. همان‌گونه که ویژگی‌ها و حالات بدنی در نفس اثرگذار است، نفس نیز بر بدن حاکم است [۱۳] و هر اثری که در نفس ایجاد شود شبیه آن نیز در بدن رخ می‌دهد [۱۰].

از دیگر سوی جالینوس بر این باور است که پزشک متبحر، فیلسوف است. در اینجا، مقصود جالینوس از فلسفه، اخلاق و منطق است. منطق، پزشک را برای رسیدن به تشخیص دقیق یاری می‌کند [۱۴]. فلسفه در قامت اخلاق نیز، در سامان دادن رابطه پزشک و بیمار و تعریف حقوق بیماران نقشی مؤثر دارد [۱۵، ۱۶]. رعایت اخلاق و قوانین در سلامت انسان امری بسیار مهم و اساسی است. ایمان و اعتقاد قلبی به خالق جهان هستی در پزشکان پیشین یک عامل بازدارنده از معصیت و گناه بوده است و با توجه به اهمیت ویژه پایبندی به این رشته و اصول اخلاقی آن همواره تلاش کرده‌اند تا آن را به عنوان یک دستور پایدار به کار گیرند. سوگندنامه بقراط، قدیمی‌ترین متن اخلاق پزشکی است که متعلق به قرن ۵ قبل از میلاد مسیح (ع) است [۱۷]. اصول سوگندنامه بقراط شامل سوگند به خدا، احترام به استاد، اجتناب از کارهای زشت و شیطانی، اجتناب از سقط جنین، عدم فریب مردان و زنان، رازداری، وفای به عهد، نیک‌نامی است. پندنامه اهوازی اولین متن اخلاق پزشکی مستند در ایران است که متعلق به یکی از پزشکان کهن ایران به نام علی ابن عباس اهوازی است که در سال‌های ۳۱۳-۳۳۴ ه.ق می‌زیسته‌است. وی در بخش اخلاق پزشکی کتاب ملکی یا "کامل الصناعات الطبیه" پندنامه را تالیف نموده است که در آن برخی از اصول اسلامی را با متن بقراط در آمیخته و ۷ اصل سپاس‌گزاری و ستایش خدا، احترام به استاد، احتراز از هدف مال‌اندوزی، رازداری، اخلاق خوش، دوری از شراب و اشاره به اینکه علم پزشکی سراسر خداشناسی است را مطرح کرده است [۱۷].

حکیم عقلی خراسانی در کتاب خلاصه الحکمه برخی از آداب و شرایط اخلاقی پزشک معالج را برمی‌شمارد و به بیمار توصیه می‌نماید که "باید طلب نماید و اختیار کند طبیعی را که متّصف و متخلّق به اوصاف و اخلاق مذکوره باشد و اعتقاد بدان داشته باشد. و اگر چنین کسی در بلاد

نتیجه گیری:

طب کهن ایرانی در دست طبیبانی بوده که براساس علم آمیخته با دیدگاه یکتاپرستی و فلسفه، به طبابت عمل می کرده اند و حکمت را جزئی از صفات لایزال پروردگار جهان دانسته و خود در جهت رسیدن به آن در تکاپو بودند تا بتوانند در جهت التیام روح و تن آدمی از حکمت پروردگار مدد گیرند. این مکتب معتقد است که یکی از حکمت های بیماری، تربیت انسانی است. چنانچه پیامبر اسلام صلی ... علیه و آله می فرماید: بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن بندگان خویش را ادب می کند [۲۰]. در این نگرش بیماری موجب آموزش گناهان است [۲۱] و این چنین است که دعای بیمار مانند دعای فرشتگان می گردد [۲۲]. همچنین طبیبان این مکتب مهم ترین اقدام در سلامتی را پیشگیری از بروز بیماری ها می دانند. به طوری که توصیه های حفظ سلامتی به اموری می پردازند که ضمن بهره مندی از حیات مناسب جسمی و روحی، آنان را از مراجعه به پزشک بی نیاز می نماید. این امور، گستره وسیعی از تدابیر باید ها و نبایدها است. آداب خوردن، آشامیدن، صحبت کردن، راه رفتن، نگاه کردن، بیداری و خوابیدن، میزان و انواع فعالیت های بدنی و حتی توجه به اعراض نفسانی از جمله این تدابیر است. لذا به نظر می رسد طب ایرانی با نگاه کل گرای خود و در بستر آموزه های اخلاقی می تواند به عنوان طبی حکمت بنیان در خدمت انسانیت قرار گیرد.

منابع:

- (۱) کنز العمال، جلد ۱۰، صفحه ۵
- (۲) مکارم الاخلاق، جلد ۲، صفحه ۱۸۰
- (۳) طب نبوی لابن قیم، صفحه ۱۷
- (۴) احیاء علوم الدین، جلد ۴، صفحه ۴۱۴
- (۵) دانش نامه احادیث پزشکی، جلد ۱، صفحه ۸
- (۶) محمدی مزرعه شاهی مجتبی. حکمت و جایگاه آن در قرآن. ۱۳۹۴.
- (۷) شریعت پناهی سیدماهیاری. عنوان فارسی: دانش طب و طبقه بندی علوم در تمدن اسلامی (عنوان عربی: علم الطب و تصنیف العلوم فی الحضارة الاسلامیة). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. Available from: <https://sid.ir/paper/225070/fa>
- (8) Qotb al-Din Shirazi M. In the statement of the need for medicine and doctors and their exhortation. Tehran: Institute for the History of Medicine; 2008. P. 111-2.

او یافت نشود که عالم و عامل به هر دو باشد، ناچار اختیار نماید طبیبی را که عالم باشد؛ گو در عمل قاصر و یا تارک بود؛ زیرا که بر عامل بی علم چندان اعتمادی نیست." وی در ادامه از بیمار می خواهد که "خود را بالتّمام بدو سپارد و بالکل دست از اراده و اختیار و خواهش خود بردارد و آن چه او گوید به عمل آورد و آنچه کند قبول نماید و چون و چرا نگوید."

حکیم عقیلی به بیمار توصیه می نماید تا وقتی که طبیب خود را با رعایت شرایط انتخاب نموده ای بر این باور قرار گیری که بهتر از او طبیبی نیست. "و احیاناً اگر مرض او در بین معالجه اشتداد یابد و یا به طول انجامد، منضجر و مترددالخطر نگردد که رجوع به طبیب دیگر آورد." بیمار می بایست "که با طبیب به حسن خلق، ادب، حرمت و ملایمت تکلم و معاشرت نماید و با او خشونت و سخن رکیک نگوید و اگر از او منقطع گردد و به طبیب دیگر رجوع آورد، او را تشنیع و مذمت ننماید و هر چند او بر خطا و غلط و سوء تدبیر بوده و رأی صایب نداشته باشد. "حتی در خصوص هدیه به طبیب، آدابی ذکر می نماید: "اگر برای طبیب معالجه خود هدیه ای آورد، باید که موافق و لایق او آورد و آن هدیه را حقیر شمارد و وقری و عظمی بر آن قرار ندهد و اگر قبول نماید، بر او منت نگذارد بلکه بر خود منت نهد که او قبول نمود و دست رد بر او نگذاشت؛ زیرا که او محنت کشیده و تشویش نموده و کسی که معالجه کسی است، او می داند که بر او چه می گذرد نه دیگری؛ بالجمله، مادام که بیمار او مریض است، گویا خود طبیب مریض است؛ خصوص در امراض سخت [۱۸].

امروزه در میان اندیشمندان رشته های مختلف، روشن شده که آشنایی با اصول اخلاق حرفه ای و پای بندی به الزامات و تکالیف اخلاقی در یک حرفه، موجب ایجاد مزیت های راهبردی خواهد شد. چرا که اخلاق حرفه ای، به منزله شاخه ای از دانش اخلاق کاربردی، به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن پرداخته و از این طریق فرد را، با کشف مجموعه ای از مسئولیت ها و رابطه ها، در راستای ایفای صحیح حرفه خویش هدایت می نماید [۱۹].

- 9) Ibn Abi Usaybi AM. Selected historical accounts of lives of physicians, organized in historical groups. Cairo: General Egyptian Book Organization; 2001. P. 364.
 - 10) Kordi Ardakani E, Mahmoud S. Basics of Iranian Traditional Medicine Anthropology Based on Avicenna's Views and its Comparison with Modern Medicine. Religion and Health. 2018;5(2):41-9
 - 11) Nussbaum M C. The Therapy of Desire: Theory and Practice in Hellenistic Ethics. New Jersey: Princeton University Press; 1994.
 - 12) Longrigg J. Greek Rational Medicine. Philosophy and medicine from Alcmaeon to the Alexandrians. London and New York: Routledge; 1993.
 - 13) Ibn Sina H. Directives and remarks. Qom: Nashr Alu Balqah; 2000. P. 306-7.
 - 14) Hankinson RJ. Philosophy of Nature. Cambridge: Cambridge University Press; 2008. p. 210-42.
 - 15) Nutton V, Galen A. Thinking doctor in imperial Rome. New York: Routledge; 2020.
 - 16) Nutton V. Ancient Medicine. London and New York: Routledge; 2013. p. 236-54.
- (۱۷) ملکی آوارسین صادق، قبه زرین نادر، کاوه پیشقدم محمدکاظم، منجم زاده فرناز. مطالعه تطبیقی دستورات اخلاقی سوگندنامه داروسازان با قرآن کریم. دین و سلامت ۸۶-۷۷: (۲) ۵: ۱۳۹۶.
- (۱۸) خلاصه الحکمه، جلد ۱، صفحه ۲۸
- (۱۹) بانکی پورفرد امیرحسین، محققیان زهرا. الگوی اخلاق حرفه ای در تدریس بر اساس روش حضرت خضر (ع) در قرآن کریم. اخلاق زیستی ۱۳۹۳؛ ۴ (۱۴): ۱۱-۳۷.
- (۲۰) کنزالعمال جلد ۳ صفحه ۳۰۶
- (۲۱) بحار الانوار، جلد ۳، صفحه ۸۸
- (۲۲) کافی، جلد ۳، صفحه ۱۱۷